

## ادبیات ایران در هزاره دوم نگاهی به گذشته و اشاره یی به هزار سال مبارزه فرهنگی (۵۷)

اسماعیل وفا یغمایی

### سید کاظم رشتی بارور کننده مکتب شیخی

سید کاظم رشتی در خانواده ای عرب به دنیا آمده بود. خانواده او اندکی پیش از تولد او به دلیل شیوع طاعون از مدینه به رشت مهاجرت کرده بودند. او در یازده سالگی قرآن را از حفظ داشت و در هجده سالگی تفسیری بر سوره آیه الکرسی نوشت. سید کاظم رشتی کاملاً به اندیشه های استاد خود مؤمن بود و در بارور کردن و توضیح و تفسیر مکتب شیخی تلاش بسیار نمود. بیشترین تلاش سید کاظم تلاش بر تفسیر و تعبیر یکی از اصلی ترین ارکان اعتقادی شیعه دوازده امامی یعنی مقوله مهدویت و بشارت ظهور امام دوازدهم بود. او می گفت همه باید بکشند تا کسی را که بر اثر تقوی و صلاحیت به مقام باب رسیده و در نقطه «رکن رابع» قرار دارد بشناسند.

بر اثر تلاشهای سید کاظم وضعیت به گونه ای شده بود که افراد زیادی برای رسیدن به مرحله بابیت به انواع ریاضتها مشغول شده بودند و پیروان سید کاظم رفقای خود را سوگند می دادند که اگر موفق به شناخت «رکن رابع» شده اند دیگران را بی خبر نگذارند.

شور و شوق شگفتی که در اثر تئوری رکن رابع شیخ احمد احسائی و کوششهای سید کاظم رشتی دامنگیر جمع کثیری از پیروان شده بود زمینه را به خوبی برای ظهور سیمائی جدید آماده کرده بود.

در این حال و هوا سید کاظم رشتی نیز مانند استادش به طور دایم مورد طعن و لعن و حملات روحانیون مختلف قرار داشت، طی دو یورش که توسط آخوندها سازماندهی شده بود عوام الناس تحریک شده خانه اش را ویران و کتابخانه اش را طعمه آتش کردند. سید کاظم سر انجام مجبور شد ترک دیار کند و روانه عتبات شود ولی در آنجا نیز در امان نبود و سر انجام نجیب پاشا حاکم عثمانی در بغداد با خوراندن قهوه مسموم به قتل او اقدام کرد. سید کاظم رشتی در تاریخ یازدهم ذیحجه سال ۱۲۵۹ هجری، دوم ژانویه ۱۸۴۴ میلادی در گذشت و در کربلا در کنار مرقد حسین ابن علی دفن گردید.

او در دوران حیات خود مردمان و شاگردان بسیار پروراند و از جمله تاثیر زیادی بر افکار طاهره قره العین نهاد. از مقولات مهم در افکار سید کاظم رشتی

توجه به مساله زنان است. شیخیها اگر چه تعدد زوجات را حرام نمی دانند ولی آن را کاری ناپسند می شمارند. تلقی تازه از معاد، توجه به مقوله شیعه کامل، توجه به وضع زنان، شک گرایی، از مقولات مورد توجه دو بنیاد گذار و شارح مکتب شیخی و از دیگر زوایای فکری متفاوت آنان با سایر آخوندهای شیعه در آن دوران است. از سید کاظم رشتی بیش از ۱۷۲ کتاب و رساله بر جای مانده است که شماری از آنها به چاپ رسیده و شماری در دست بزرگان مکتب شیخی است.

### انشعاب در مکتب شیخی

پس از در گذشت سید کاظم رشتی بر سر مساله رهبری میان شماری از پیروانش اختلاف روی داد. شماری به حاج محمد کریم خان کرمانی، گروهی به میرزا شفیع تبریزی و عده ای به سید علی محمد شیرازی گرویدند. انشعابات دیگری نیز در اسناد مربوط به شیخیگری و بابیگری ذکر شده است. از آنجا که این انشعابات صرفاً در حیطه افکار و عقاید تئوریک گروههایی از مردم به صورت مرامهایی خاموش، و نه در پیوند با مسائل و مقولات اجتماعی و سیاسی مبارزاتی قابل توجه اند، از آنها می گذریم.

پیروان حاج محمد کریم خان کرمانی (تولد ۱۲۲۵ هجری، ۱۸۰۹ میلادی، در گذشت ۱۲۸۸ هجری، ۱۸۷۰ میلادی) ادامه اصیل مکتب شیخی را در متابعت رهبر خود دانستند و خود را شیخی خواندند و سیدعلی محمد شیرازی با استفاده از مقوله رکن رابع که در آن زمان مریدان و مشتاقان زیادی داشت و نیز شرایط اسف بار اجتماعی که چشمها را متوجه بیرون آمدن دستی از غیب و ظهور دوازدهمین امام شیعیان نموده بود، سرانجام خود را «باب» یعنی در و محل اتصال با امام غایب خواند. در مقام رکن رابع قرار گرفت و بانی مکتبی شد که ادامه تغییر یافته مکتب شیخی است و به بابیت معروف است.

### سید علی محمد شیرازی، باب

سید علی محمد شیرازی در سال ۱۲۲۵ هجری، ۱۸۱۰ میلادی در خانواده ای از سادات که به شغل تجارت اشتغال داشتند متولد شد. یکی از عمو زادگان او میرزای شیرازی مجتهد مقتدر و صادر کننده فتوای معروف تحریم تنباکو و دیگری حاج سید جواد شیرازی از مجتهدان صاحب نام کرمان و معلم حاج ملاهادی سبزواری فیلسوف نامدار شیعی است. باب در هشت سالگی به مجالس آموزشی شیخیان راه یافت، در پانزده سالگی در تجارتخانه دایی اش در بوشهر به تجارت مشغول شد و دو سال نیز به عنوان تاجری مستقل فعالیت کرد. او به دلیل تجارت و مسافرت در معرض آگاهی قابل ملاحظه ای از

شرایط دوران خود قرار گرفت و طی همین دوران نیز با معارف اسلامی، فلسفه یونان، فلسفه ملا صدرا و آثار ابوعلی سینا آشنائی یافت. سید علی محمد شیرازی، در بیست سالگی راهی کربلا شد و مدت کوتاهی از مجالس درس سید کاظم رشتی بهره مند شد و در بیست و یک سالگی به ایران باز گشت و از مبلغان سر سخت مکتب شیخی گردید. او شش ماه پس از مرگ سید کاظم رشتی، در شب پنجم جمادی الاولی سال ۱۲۶۰ هجری، ۲۳ مه ۱۸۴۴ میلادی در بیست و شش سالگی دعوت خود را آشکار کرد و خود را باب و شیعه کامل خواند و پیروان و دعوتگران خود را به اطراف و اکناف روانه نمود.

در شب پنجم جمادی الاولی سال هزار و دویست و شصت هجری، بنا بر اعتقاد شیعیان درست هزار سال از غیبت امام دوازدهم گذشته و تلاشهای شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی در نوید دادن ظهور امام غایب و تلاش برای یافتن نایب و رابط او اذهان زیادی را برای پذیرش شخصیتی چون باب آماده کرده بود.

از این نقطه به بعد در باره مذهب و مرام بابیان، اسناد مختلف هریک از زوایه خود نظرات مختلفی را عنوان کرده اند. پاره ای از اسناد می گویند باب سر انجام خود را همان امام غایب خواند و با آوردن کتابی بنام «بیان» ادعا کرد که از این پس قرآن منسوخ شده است.

باب در نقاط مختلف پیروان بسیار پیدا نمود. او تا سال ۱۲۶۳ هجری، ۱۸۴۷ میلادی در اصفهان تحت حمایت منوچهر خان معتمد الدوله بود. در سال ۱۲۶۳ باب دعوت خود را از سر گرفت و به دستور محمد شاه او را به قلعه چهریق در آذربایجان برده و زندانی کردند.

ماجرای باب و بابیان از آغاز بنیاد گذاری آن از زمان شیخ احمد زین الدین تا دوران انشعاب شیخیان و بابیان راه، فارغ از نگرشهای غرض ورزانه و آمیخته با تعصبات مذهبی و عوامانه، بایست در چهار چوب نوعی حرکت مذهبی و اجتماعی، و با نگاهی تاریخی بازبینی کرد و در آن به تعمق پرداخت. افکار شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی و عقائد و نظریات باب برای کسی که در جهان امروز با تمام غول آسائنها و پیچیدگیهایش زندگی و تنفس می کند طبعاً قابل پذیرش نیست، با این همه، این مکاتب باز گو کننده گوشه ای از سرگذشت مردم و سرزمینی است که در گذرگاه تاریخ از دهلیزهای شگفت انگیز و سایه روشنهای گاه سر گیجه آوری به سوی روزگار معاصر راه پیموده و در روزگار معاصر نیز در موارد گوناگون،

### سران رژیم از جنبش ضد

### جنگ بیشتر از جنگ

### می ترسند

زینت میرهاشمی

پنجمین گردهمایی فوروم اجتماعی جهان در پورتوالگره، روز ۱۹ و ۲۰ مارس را روز مبارزه علیه جنگ و اشغال اعلام کرد و به مناسبت دومین سال اشغال عراق دیروز شنبه ۱۹ مارس برابر با ۲۹ اسفند تظاهرات گسترده ای در مخالفت با جنگ در لندن، بروکسل، استکهلم، رم، اسلو، مادرید، بارسلون، سن سباستین، سیدنی، نیویورک، آتن، استانبول و ... برگزار شد.

این تظاهرات به طور گسترده با تابلو جهانی پیدا کرد. اما در ایران تحت حاکمیت ملاها نه فقط از قبل خبر و گزارشی در مورد تدارک این تظاهرات منتشر نشد، بلکه حتی دیروز هنگامی که تعدادی از زنان و مردان ترقیخواه ایرانی در صدد بودند تا در پارک دانشجو یک گردهمایی به این مناسبت برگزار کنند، نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی با محاصره آنان و پراکنده کردن هر کس که به تجمع کنندگان نزدیک می شد، نشان دادند که سران رژیم از جنبش ضد جنگ بیش از تهدید جنگ می ترسند.

بقیه در صفحه ۱۹

به جز تنفس در فضای حکومتی چون حکومت بر جای مانده از خمینی، در فضای فرهنگی که ریشه در گذشته ای دور و دراز دارد تنفس می کند و گاه تنهایی خود را در جهانی غول آسا در فضا و گرمای این فرهنگ چاره می جوید و به قول نیما قباوی خویش را در این شب تیره بر میخ این فرهنگ می آویزد.

از دوران باب به بعد و بخصوص در دوران ناصرالدینشاه، این نوع تفکر، در آمیخته با اعتراضات و شورشها و مقاومتهای افشار وسیعی از مردم تحت ستم، به نوعی جنبش و حرکت اجتماعی تبدیل شد. در بسیاری اوقات معتقدان به این نوع تفکر با تحمل فجیع ترین کشتارها و شکنجه ها و هتک حرمتها مقاومت کردند و در راه اعتقادات خود کشته شدند. پس از دوران باب و سرکوب بابیان و انشعابات مجدد، این مرام بر آمده از درون شیعه راهی دیگر را به عنوان مرامی خاموش و طرد شده و تحت آزار و تعقیب طی نموده که تا روزگار ما ادامه دارد و از زوایای مختلف قابل بررسی و تعمق است. به شورشهای بابیان در دوران ناصر الدینشاه بار دیگر اشاره خواهد شد.

ادامه دارد